



۴

هزار دیوان نوریه طاب شریه و صحنه  
بسم الرحمن الرحیم

انام و شرفت جوهر شریه زبا منها بیوسه ازین سلسله انجمنها  
 آفرین از سر شرفم نو مخوین زنده در سخن دل نقد روها  
 انکم که نبود از یغم و من در انزل و جام علم نون در سر درواها  
 از دست روان تیر غمت خار نماند خم نشد ازین بار که این است گمانها  
 با آنکه سر نیست عدای زه کمانه بیسکای غمت کرده مهر کسب ز بها  
 ششم جوالف و از اعتبار بریده دریم الف قد تو به لوح جانها  
 چند نگار نوم نظر ایدوست ندیم  
 جز نور علی منظر جنت بعینها

کلیه دریاوت را  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور  
 مستور علی منصور

Copyright King Said University